

سیاست خارجی ایران به راه درست گام گذاشته است

نشیبی در راه اصلاحات ارضی

● تاخیر در اجرای بند (ج) باعث تاسف و نگرانی فشار بزرگ مالکان و لیبرال هاست.

● قدرت سرنوشته ساز دهقانان و نیروهای انقلابی در خط امام میتواند این فشار ضدانقلابی را درهم شکند.

مسئله بسیار حاد و اساسی زمین - یکی از مسائل مهم و حیاتی انقلاب ما - حدت ویژه ای یافته است. ۲۲ ماه بعد از پیروزی انقلاب، در کشوری که یکی از بزرگترین انقلابات مستضعفین علیه مستکبرین را انجام داده هنوز مسئله زمین، که مربوط به اکثریت مطلق مستضعفین، یعنی دهقانان زحمتکش است، حل نشده است. هنوز مسئله سرطانی بزرگ مالکی، این عصاره فاسد و غارتگر استکبار، ریشه کن نشده است. میلیونها کورخ نشین روستاها، که انقلاب، از جمله، ثمره مشارکت و فداکاری آنها بود، هنوز بر فئودالهای کالخنشین، آن نیروی تاریخی و دوران ساز راه، که عبارتست از رسیدن حق به حق دار و زمین به دهقان، بدست نیامده اند. آری نیاز جامعه ما، حکم انقلاب ما، خواست توده محروم دهقانان ما هنوز برآورده نشده است.

هنوز، ولی نه برای همیشه، نه برای مدت زیادی، دیر شده است، ولی منتفی نشده است. آقای محمدعلی رجائی نخست وزیر، در سخنرانی اخیر واگذاری زمین بدرستی گفت: «مسئله زمین تنها مسئله انقلاب ما نیست بلکه یکی از مسائل آنست». اگر قبول کنیم که اگرچه تنها مسئله نیست، ولی از اهم مسائل و یکی از مسائل گریزناپذیر انقلاب است، آنوقت میتوانیم باین نتیجه برسیم که، انقلاب ما هرگز این مسئله خود را حل نشده باقی نخواهد گذاشت.

انقلاب بزرگ ضدامپریالیستی و مردمی و ضداستکباری ما، اگر مسئله زمین را پسوددهان بی زمین و کم زمین حل نکند و بزرگ مالکی را از ریشه برکنند، بدون تردید منسوخ خواهد شد، به قیقا خواهد رفت، از اهداف اصلی خود دور خواهد افتاد و ماهیت خود را از دست خواهد داد. و ما مطمئن هستیم که به نیروی عظیم توده های بیدار و آگاه مردم و خود دهقانان حق طلب، به درایت و رهبری روشن بینانه و قاطع امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و به همت همه انقلابیون روشن بین و مبارز - از روحانیت مبارز و فقهائی که معرف اسلام راستین اند گرفته تا نیروهای سیاسی انقلابی و از جمله مسئولان متعهد و دورنگر و نهادهای انقلابی طرفدار حق و مردم - انقلاب ما خواهد توانست این مسئله را حل کند و بر مشکلاتی که اکنون بوجود آمده، غلبه کند و راه خود را بسوی تعمیق و پیشرفت باز کند. بدنبال فشارهای فراوان بزرگ مالکان و روحانی نمایان همکاسه آنان و لیبرالهای مدافع آنها در واقع هم اکنون مشکلاتی بر سر راه حل این مسئله بوجود آمده است. مشکلات را آنها در مرحله اجرائی اش در مقابل هیئت های هفت نفری بوجود آوردند و متأسفانه توانستند کار را بجائی بکشانند که اولاً امر واگذاری زمین بقدری به تاخیر بیفتد که به کشت پائیزه بخورد و مانع فنی و اداری برایش بتراشند، و ثانیاً از شرایط حساس و استثنائی جنگ سوءاستفاده کنند و با ایجاد درگیریها و تشنج های در دهات، در حالیکه تحکیم جبهه و پشت جبهه ضرورت دارد، مانع سیاسی - اجتماعی برایش ایجاد کنند.

کار واگذاری زمین مبیاست ماهها و ماهها قبل انجام میگرفت. نشد و اکنون در پائیز و بهنگام کشت جاری و در ماه سوم جنگ تحمیلی صدام آمریکایی علیه ایران، مانع برآورده است. آشکارا میتوان دید که تشنات بزرگ مالکان و بلندگویان و

بقیه در صفحه ۸

دهها و صدها سال به طبقات وطن فروش و به منافع بیگانگان غارتگر خدمت کرده و حکومت های گذشته ایران، طبق طینت پلید خود، همیشه در کنار دیگر جباران و فاسدان جهان قرار داشته اند.

انقلاب بزرگ ما این امکان را بوجود آورده است که ما سیاست خارجی مردمی و استقلال طلبانه داشته باشیم و دولت کشور ما نه در کنار نوکران استعمار و امپریالیسم، بلکه بقیه در صفحه ۲

مسئولان متعهد) و با تکیه بر نهاد پاک و خلقی اعتماد به - حقانیت خود، افسانه کاذب «انزوی» خیالی را، که دشمنان انقلاب مدعیش بودند، باطل ساخت و با رشادت و سربلندی گام دیگری در صحنه جهانی نهاد.

تا تاریخ بیاد دارد، از آنجاکه حکومت ایران (باستثنای برهه های بسیار کوتاه) همیشه در دست دشمنان خلق و نوکران استعمار و امپریالیسم بوده است، سیاست خارجی ایران نیز طی

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، بقول یکی از چراید، واقعا «با دستانی پر» از سفری پر بار بازگشت و مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی شنبه گذشته، بازتاب برجسته دیگری از ره آوردهای پرازشی این سفر بود.

انقلاب بزرگ ایران و جمهوری اسلامی ایران، بویژه با این سفر رئیس مجلس (و همچنین با مسافرت های اخیر دیگر

نیروهای رزمنده جمهوری اسلامی ایران در اغلب جبهه های جنگ بر تری کامل خود را برای نیروهای متجاوز حفظ کرده اند

بوسیله موشک های به غنیمت گرفته شده از ارتش عراق به وسیله برادران رزمنده ما نابود شد.

در ادامه عملیات قهرمانانه نیروهای جمهوری اسلامی ایران، طی جمعه شب و پریروز آخرین نیروهای فریب خورده یعنی مستقر در «دب حران» و اداری به عقب نشینی شدند. در این عملیات بر اثر توپخانه رزمندگان اسلام سه دستگاه تانک، غلطک و لودر دشمن منهدم و سر نشینان آنها به هلاکت رسیدند. نیروهای جمهوری اسلامی ایران در این بقیه در صفحه ۲

حمیدیه، توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران مواضع دشمن را منهدم کرد. ولی هنوز از خسارات و تلفات وارد شده بر دشمن اطلاع دقیقی در دست نیست. سه روز پیش توسط توپخانه و خمپاره اندازهای ایران در شرق سوسنگرد دو تانک منهدم و ۵۰ نفر از مزدوران بعثی کشته و یا زخمی شدند همچنین در جبهه «معدون حدودی» سه تانک دشمن سوخت و یک تانک، دو خودرو حامل مهمات و یک دستگاه تانک پی ام بی دشمن متجاوز با سر نشینانشان منهدم شدند. یک دستگاه کاتیوشای دشمن نیز

گزارش های رسیده از جبهه های جنگ، تا پریش، نشان میدهد که ایران در اغلب جبهه های جنگ بر تری کامل خود را بر نیروهای متجاوز حفظ کرده و در بخشی از جبهه ها، دشمن مواضع اشغالی را از دست داده است.

در جنوب پریروز بر اثر آتش خمپاره برادران سپاه پاسداران مستقر در جبهه سوسنگرد، یک قبضه توپ ضد هوایی دشمن منهدم و ۱۰ تا ۱۵ نفر از لشکر کفر کشته و زخمی شدند. همچنین در محور جاده سوسنگرد -



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۸۳
دوشنبه ۱۰ آذر ۱۳۵۹، مطابق با ۲۲ محرم ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

بورژوازی لیبرال موربانه انقلاب

بورژوازی لیبرال از پیروزی انقلاب بر صدام حسین و عواقب آن وحشت دارد

روزنامه میزان در سرمقاله ۸ آذرماه ۵۹ خویش، که نام «موربانه انقلاب» برخوردار دارد، مطالب جالبی مطرح ساخته است که طرح و بررسی مختصر آنها، برای شناخت دقیقتر مواضع و نظریات گروهی که اکنون همه آنها را بنام «لیبرال» می شناسند، ضروری است. میزان در این سرمقاله، که از سر تا پایان وصف پریشان حالی و درماندگی بورژوازی لیبرال ایران است، تا توانسته به حزب توده ایران تاخته و آنرا به باد بی پروا ترین و ناروا ترین افتراها و دشنامها گرفته است. ما به این دشنامها و افتراها - که تازگی ندارد و مینگر آنهاست دستگاه تبلیغاتی رژیم شاه ملغون بوده است - پاسخی نمی گوئیم، چون ارزش پاسخ گفتن ندارد، بلکه میکوشیم آن درد اصلی و مقصود اصلی را که میزان میکوشد آنرا در پس پرده دود آبی کمونیس و دشنام و افترا به حزب توده ایران ببوشاند، باردیگر از زبان خود وی بیرون بکشیم و در مقابل همگان قرار دهیم.

میزان می نویسد: «از نظر سیاسی، حیل های دشمن متأسفانه به مقدار زیادی موثر بوده و می رود که ما را در دام وحشتناکی اسیر ساخته و انقلاب را منهدم سازد. حیل های سیاسی دشمن با پایان جنگ ایران و عراق تشدید خواهد شد، زیرا همینکه رزمندگان اسلام انشاء الله بزودی صدام و نیروهای بعث را عقب نشانند، احتمال حمله مجدد نظامی به ایران شدت کاهشی خواهد یافت و برای دشمنان انقلاب تنها راهی که باقی می ماند، حیل های سیاسی خواهد بود و پس اعم از اینکه با حیل ها و توطئه های مذکور، انقلاب را بیکباره براندازند، یعنی انقلاب اسلامی را به سرنوشته سال ۳۳ دچار سازند و یا آنکه با انجام توطئه های سیاسی دولتی را به روی کار آرند که ظاهر و نام جمهوری اسلامی را حفظ کند، ولی انقلاب را از محتوی خالی (نمایند)... چنین برنامه ای چندین بار در بعضی کشورها از جمله مصر و عراق تکرار شده و سپردن سرنوشته انقلاب بدست ضد انقلابیون پرایشان آسان گردیده است!»

چنانکه ملاحظه میشود، میزان انقلاب را در «دام وحشتناکی» اسیر و در شرف «منهدم» شدن می بیند، که بر اثر حیل های «دشمن» تدارک میشود. میزان همچنین معتقد است که پیروزی ایران بر عراق و پایان جنگ «حیل های سیاسی دشمن» را «تشدید» خواهد کرد و بالنتیجه، «انهدام انقلاب» را تسریع خواهد نمود و «سرنوشته انقلاب بدست ضد انقلابیون» خواهد افتاد و ایران، مصر سادات و عراق صدام خواهد شد!

بقیه در صفحه ۲

مائوئیسم در خدمت امپریالیسم آمریکا

(پاسخ به مقاله «القاء ایدئولوژی» در روزنامه انقلاب اسلامی)

صفحه ۳

بمناسبت ۳۵مین سالگرد تأسیس فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان

پیروزی فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان! درود بر زنان و دختران رزمنده ایران!

مجمع بزرگ بین المللی با تشکیل کنفرانس ها، کنفرانس ها و سمینارهایی در پهنه پنج قاره جهان، توانسته است، هم بمتأیبه یکانه سازمان راستین مدافع حقوق زنان خود را بشناساند و هم کمکهای شایان تحسین و ارزنده ای به مبارزات زنان زحمتکش و محروم برساند.

فدراسیون دموکراتیک «بین المللی زنان»، که در سال ۱۹۴۷، ۱۱۲ سازمان از ۹۷ کشور عضو داشت، اکنون از همه کشورهای جهان، باستثنای یکی دو کشور یکه و یا چند سازمان زنان را بقیه در صفحه ۲

در اسانامه فدراسیون دموکراتیک «بین المللی زنان» تأکید شده است که این سازمان «اتحادی است از زنان، صرف نظر از نژاد، ملیت و معتقدات سیاسی و مذهبی، بمنظور مبارزه مشترک در راه دفاع و تحصیل حقوق اعضای خود - مادران و زنان زحمتکش - مراقبت در حیات کودکان، تأمین صلح، دموکراسی و استقلال خلقها».

فدراسیون دموکراتیک «بین المللی زنان» طی حیات سی و پنجساله خود، در تشکیل، مبارزه و پیروزیهای زنان سراسر جهان، سهم شایانی داشته است. این

ساله ۱۹۴۷ (۱۳۲۴) که جهان بر فراز ویرانیهای جنگ جهانی دوم، آغاز نوسازی کرد، فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان، با گردمائی جمعی از زنان و مادرانی مترقی، که مصائب جنگ را پشت سر نهاده بودند، در پاریس بنیان نهاده شد، تا با متشکل ساختن سازمانهای زنان در سراسر گیتی، بسهم موثر خود را در حفظ صلح، خلع سلاح عمومی و کامل و مبارزه برای حقوق برابر زنان، یاری رساندن به زنان کشورهای زیر سلطه و بیکار برای استقلال ملی و آزادی ادا کند.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

بورژوازی لیبرال ...

بقیه از صفحه ۱

یاللعجب! پیروزی ایران برصدام، «سرنوشت انقلاب» را بدست «ضدانقلابیون» خواهد انداخت. نتیجه طبیعی که میزان میبایست از این اظهارات شمشع بکیرد، آنستکه «شکست صدام» امر مطلوبی نیست و برای دفاع از «انقلاب» ایران باید از آن جلوگیری کرد!

اگر این سخنان به زبان فارسی و در سرمقاله روزنامه‌های مدعی دفع از انقلاب، نیامده بود، ممکن بود تصور رود که این اظهارات از آن سادات است، که چند روز پیش از امکان شکست صدام در جنگ اظهار نگرانی کرده و آفرابه‌زبان «مصالح ایران» دانسته بودا سادات همچنین از آمریکا تقاضا کرده‌بود که برای ممانعت از «افتادن ایران به کام شوروی»، در جنگ میان ایران و عراق مستقیماً دخالت کند و مانع شکست عراق گردد!

اگر میزان، برخلاف تمامی نیروهای انقلابی ایران و برخلاف خط امام، مدعیست که «پیروزی بر صدام»، «خطر افهدام انقلاب ایران» را افزایش خواهد داد و «ضدانقلابیون» را بر سرنوشت انقلاب مسلط خواهد گردانید، بیشک باید انتظار داشت که میزان از «دشمن» نیز، برداشتی بکلی خلاف خط امام و نیروهای انقلابی و استقلال‌طلب ایرانی داشته باشد.

میزان در واقع امپریالیسم آمریکا، یعنی شیطان بزرگ و دشمن اصلی انقلاب ما را، «دشمن» نمی‌شمارد. طبق سرقااله میزان، امپریالیسم آمریکا نه فقط در کودتای ۲۸ مرداد خالتی نداشته، بلکه اکنون نیز در توطئه‌های عظیم براندازی علیه جمهوری اسلامی ایران، کوچکترین نقشی ندارد. «دشمن»، «روسیه» و «توده‌ای‌ها» هستند! میزان بدون آنکه يك كلمه از نقش امپریالیسم آمریکا در توطئه علیه حکومت ملی دکتر مصدق سخن بگوید، «توده‌ای‌ها» را عامل شکست مصدق می‌نامد.

میزان با تحریف آشکار تاریخ، حتی جاسوسان آشکار آمریکایی را نیز تبرئه می‌کند و «حزب توده» را در خیانت‌های آنها به مصدق «مقصر» می‌نامد:

«حزب توده... همچنین از ضعف بعضی چون مکی و بقائی استفاده نمود تا آنرا بطمع نخست‌وزیری رو در روی مصدق وادارد!»

میزان سپس به دوران کنونی باز میگردد و بازم بدون آنکه حتی يك كلمه از امپریالیسم آمریکا سخن بگوید و توطئه‌های پی در پی و خطرناک آنرا برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی ایران، بیان کند، «روسیه» و «حزب توده» را «دشمن» می‌نامد.

میزان علاوه بر این، مسلمانان انقلابی و روحانیت مبارز را نیز مؤرد حمله و افترا و رشامت قرار میدهد که گویا هرچه «منافقین متعدد روسی»

میگویند، اینان (مسلمانان) نیز «طوطی‌وار» تکرار میکنند!

بدینسان در قاموس میزان همه مفاهیم قلب میشوند و به ضد خود بدل میگرددند: دشمن واقعی، «دوست» و انمود میشود و دوست و پشتیبان، «دشمن» توطئه گر، اعلام می‌گردد، منافع غیرتکرانه بورژوازی لیبرال، «انقلاب» نامیده میشود و روحانیت مبارز و توده‌های انقلابی مسلمان که میکوشند شر این قشر ظیفلی را از سر مردم کوتاه کنند، ولی فرمان امام خمینی شکستن سکوت خود را به پیروزی بر صدام محول کرده‌اند، «ضدانقلابیون» اطلاق می‌گردند. بهمین دلیل هم بورژوازی لیبرال تا به این حد از پیروزی برصدام واهمه دارد و اعلام می‌کند که در آنصورت «توطئه‌ها تشدید خواهند شد» و «انقلاب»، «منهدم» خواهد گردید!

تجربه تمام انقلاب‌های رهائی بخش نشان داده است که همراه با تعمیق انقلاب و نزدیکی «انهدام» مواضع سیاسی و اقتصادی بورژوازی لیبرال، این بورژوازی بیش از پیش بر تبلیغات ضد کمونیستی خود خواهد افزود، درهم‌جا کاپوس «کمونیسم» خواهد دید، تمام میهن‌دوستان آزادخواهان و انقلابیون را «کمونیست» خواهد خواند و کمونیستها را «عامل توطئه‌ها» خواهد نامید. تمام کشورهای مسلمان و انقلابی چون لیبی و سوریه و الجزایر، که با تمام قوا در مقابل شیطان بزرگ آمریکا ایستاده‌اند و سنگ بر سنگ منافع بورژوازی لیبرال باقی نگذاشته‌اند، همگی زمانی از جنب

این بورژوازی و همچنین امپریالیسم، «عامل کمونیستها»، خوانده شده بودند و اکنون نیز رهبران مسلمان این کشورها از جانب طرفداران سازش با امپریالیسم آمریکا، با این برچسب نجس، مواجه هستند. اما تجربه همان انقلاب‌های پیرومند و ازجمله انقلاب ما همچنین نشان داده است که بورژوازی لیبرال از این شکرکرد تبلیغاتی خویش طرفی نبسته است.

اکنون دیگر همگان به نیات و مقاصد و اغراض واقعی این بورژوازی سازشکار و تسلیم‌طلب پی‌برده‌اند و درمقابل شکوه‌ها و گلاویه‌ها و هشدارهای او درباره «خطر کمونیسم»، از اومی- پرسند:

آقایان! نظر شما راجع به امپریالیسم آمریکا چیست؟ آیا آنرا دشمن میدانید یا خیر؟ نظر شما راجع به فتودالها و سرمایه‌داران وابسته و غارتگر بازار چیست؟ آیا مصادره اموال آنها را بسود زحمتکشان جایز می‌دانید یا خیر؟ و بالاخره نظر شما راجع به ضدانقلابیون و وابستگان به امپریالیسم آمریکا چیست؟ آیا آنها را مهدورالدم می‌دانید یا خیر؟

و بورژوازی لیبرال و نمایندگان آن در قبال این سئوالات، پاسخی جز گریز از بیان نیات واقعی خویش ندارند، گویانکه تلویحا به تمام سئوالات فوق پاسخ منفی داده‌اند.

آری آقایان! «موریانه انقلاب» در واقع خود شما هستید.

سیاست خارجی ...

بقیه از صفحه ۱

در کنار دشمنان استعمار و امپریالیسم، در کنار نیروهای خادم استقلال و آزادی قرار گیرد. باین مناسبت بر مردم ایران است که بار دیگر بمقام تاریخی انقلاب بزرگ ایران و جمهوری اسلامی ایران بی - ببرند و برای دفاع از يك چنین انقلاب و نظامی، که کشور مارا در مسیر استقلال و آزادی و سربلندی قرار داده است، با تمام هوشیاری و آگاهی و فدای کاری زیر رهبری امام خمینی، رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، و ازاین راه روشن و سعادت آفرین با جان و دل دفاع کنند. و آنانکه میگویند «این انقلاب هیچ چیز به ایران نداده» و باین «دلیل» به «حکومت آخوندها» حمله می‌کنند، بتگذار چشم باز کنند و اگر یارای دیدن حقیقت را دارند، این تحول کیفی در سیاست خارجی میهن خود را مشاهده کنند.

سیاست خارجی کشور ما پس از انقلاب، بی دردسر واردچنین مرحله روشن و درستی نشد. دولت «گام به گام» لیبرالها، گرچه تحت فشار مردم و نیروهای انقلابی و رهبر انقلاب، نتوانست بند و زنجیرهای اسارت امپریالیستی را باهتان کم و کیف سابق حفظ کند و الزاما مجبور با اقدامات معینی شد، ولی باتمام نیرو و توانائی خود مانع از آن شد که ایران انقلابی دوستان واقعی خود را در صحنه جهانی بدرستی تشخیص دهد و در کنار دوستان خود قرار بگردد. این عمل لیبرالها، یعنی ممانعت از نزدیکی ایران انقلابی به دوستان واقعی، در واقع بمنظور ایجاد زمینه و دستاویز و بهانه و «دلیل» برای بازگشت به اسارت امپریالیسم و همپالکی شدن با نوکران منطقه‌ای امپریالیسم بود. لیبرالها که میدانستند مردم ایران، که با آن انقلاب طوفانی خود، امپریالیسم آمریکا و نوکرش را از ایران رانده‌اند، بازگشت به اسارت امپریالیسم را نخواهند پذیرفت، و خود نیز از سوسی دیگر راه میان ایران انقلابی و دوستان

خوبی میدانستند که چنین نیست و این محال است که يك انقلاب بزرگ مانند انقلاب ایران در جهان تنها بماند.

امام خمینی این واقعیت را چنین بیان کردند: «مع الاسف گمان می‌کنند بعضیها که ما منزوی شده‌ایم به واسطه مخالفت با آمریکا. خیر آمریکا منزوی شد... ما منزوی نیستیم»

و نامه «مردم» نوشت: «این واقعیتی است که کشور انقلابی از بندرسته‌ها نه تنها منزوی نشده و منزوی نیست، بلکه با خیزش انقلابی خود از دوران بردگی، اسارت، حقارت و سرخوردگی، یعنی ازوای تاریخی واقعی، به دوران آزادی و استقلال و سر - بلندی گام نهاده و در صف کشورهای و خلقهای مستقل و آزاد، قرار گرفته است...»

اگر مزاحمت کسانی که جز دنیای «شیطان زرد» بوجود دنیای دیگری قائل نیستند، رفع شود و اگر کشور ما از زیر بار سنگین آثار تبلیغات ساله امپریالیسم خلاصی شود، جمهوری مستقل و آزاد اسلامی ایران خواهد توانست دست برادری و همبستگی را، که از سوی پشتیبانان انقلاب ایسران بسوی کشور ما دراز است، بگیرد و حرارت قلوب آزادگان جهان را با تمام وجودش احساس کند» (نامه «مردم» - ۱۸ آبانماه ۱۳۵۹)

و زندگی، قدرت انقلاب را و صحت برخورد انقلابی را به روشنی آفتاب اثبات کرد. رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در مصاحبه خود از جمله گفت: «دولتهایی که من دیدم، رهبران کشورهای الجزایر، سوریه، به انقلاب اسلامی ایران، به عنوان يك جریان نجات بخش منطقه از کاپوسی که فکر می‌کردند به این زودی نجات پیدا نمی‌کنند، نگاه می‌کنند. آنها می‌گفتند که چیزی غیر از این انقلاب نمی‌توانست پایگاه امپریالیسم و پشت اسرائیل را بشکند و آمریکا را در منطقه متزلزل کند، و فکر میکردند که هرگونه حمایتی برای دوام این انقلاب باید بشود و آمادگی داشتند که با ما هرگونه همکاری تاکتیکی و استراتژیکی داشته باشند...»

یمن جنوبی هم در این قصد با ما همکاری میکند... شوروی به فرستاده عراق که به آنجا رفته و اسلحه میخواست گفت: ما این جنگ شما را بفتح امپریالیسم میدانیم و چیرانی که در ایران حاکم است، جریان ضدامر - یالیستی است و ما نمی‌توانیم به جنگی که علیه این جریان کار می‌کنند، کمک کنیم... اینرا رهبران کشورهای لیبی و سوریه بما گفتند که شوروی به آنها اطلاع داده که این جواب را به فرستاده مخصوص صدام داده...»

رئیس مجلس، در مصاحبه خود بر این واقعیات بسیار مهم تاکید کرد که: «رویه‌رفته این نظر هست که اصلا آمریکا دارد در ایران می‌جنگد و اسلحه را به شمالی و فرانسه به عراق میفرشند و بندر عقبه را هم اردن با پول عراق و طبق نقشه آمریکا توسعه داده و هم اکنون مشغول پذیرفتن کشتیهای آنهاست و خرج جنگ عراق را هم کشورهای ارتجاعی نفتخیز منطقه تمهید کرده‌اند، که دوست آمریکا هستند.»

مشولان و طراحان سابق سیاست خارجی ما همه این واقعیات را در دست صد وهشتاد درجه تحریف و قلب نموده و سفید را سیاه و سیاه را سفید بر مردم ایران معرفی کرده‌بودند. در نظر جهان خارج هم کشور ما را چنین معرفی کرده بودند که، بقول رئیس مجلس، گویا «ما يك پوسته‌ای برای خودمان ساخته‌ایم و نمی‌خواهیم از آن دریائیم.»

بوضع دستگاه سیاست خارجی سابق ما نگاه کنید که در کشور دوستان مسلمان ما اصولا سفارتخانه‌ای برقرار نکرده‌اند. به قول رئیس مجلس: «در الجزایر يك کاردار داریم و در لیبی يك کاردار داریم که یکی دو هفته است شروع بکار کرده و در سوریه سفارت داریم، اما بی پر و بال و ...»

آنانکه میگویند که گویا تمام گرفتاریهای ما از گروهان - گیری است، و از جمله بدلیل «گروگانگیری» صدام جرئت حمله به کشور ما را کرده، باید پس‌از روشن شدن این همه واقعیات بخود آیند و بدانند که

پیروزی با قدر آسیون

بقیه از صفحه ۱

در خود متشکل ساخته است. فدراسیون دموکراتیک بین - المللی زنان با تشکیل کنکره های خود، که با شرکت اعضاء و حضور دیگر سازمان های بین المللی و ملی زنان، که عضو فدراسیون نیستند، تشکیل میشود، توانسته است، مسائل خادمربوط به کار و زندگی زنان و مسائل مربوط به استقلال ملی و آزادی، را، در سطح جهانی مورد مذاقه قرار دهد و با رسیدن به نتیجه - گیریهای درخشان و صدور رهنمودهای مفید، زنان سراسر جهان را به مبارزه در راه حل این مضلات فراخواند و بسیج کند.

کنکره های فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان در شهرهای پاریس (سال ۱۹۴۵)، بوداپست (سال ۱۹۴۸)، کینپاک (سال ۱۹۵۳)، وین (سال ۱۹۵۸)، مسکو (سال ۱۹۶۳)، هلسنیکی (سال ۱۹۶۹) و برلن (سال ۱۹۷۵) تشکیل شده است. علاوه بر این کنکره های پر بار، که هر يك از آنان گام بلندی در پیشبرد مبارزه زنان بخاطر تامین صلح و حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان بوده است، فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان با تشکیل دیدارهای بین - المللی به اتفاق دیگر سازمان های جهانی زنان، در امر تعمیق و گسترش مبارزات زنان سراسر جهان و هماهنگ ساختن آن، نقش برجسته ای ایفا کرده است. در این زمینه میتوان از جمله: از دیدار جهانی زنان بمناسبت پنجاهمین سال برگزاری روز بین المللی زنان (هشتم مارس) (کینپاک - سال ۱۹۶۰)، دیدار زنان کشورهای اروپا برای دفاع از صلح و خلع سلاح (زانتسبورگ - سال ۱۹۶۰) و (وین - سال ۱۹۶۲)، کنفرانس بین المللی دفاع از کودکان (وین - سال ۱۹۵۲)، کنکره بررسی مسائل کودکان (استکهولمسال ۱۹۶۶) دیدار مشورتی سازمان های زنان اروپا مربوط به امنیت و همکاری اروپا (سوئد - سال ۱۹۷۰) بر - گزاری صدمین سالروز تولد لنین (سال ۱۹۷۰) و يك سلسله سمینارهای منطقه ای در کشور - های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بمنظور بررسی وضع زنان برای محو بیسوادی، بهداشت مادر و کودک و غیره نام برد. زمانی که امپریالیسم آمریکا تهاجم به کشور کره را آغاز کرد، فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان و سازمان های عضو کارزار تبلیغاتی توده گیر گسترده ای را علیه این جنگ تجاوزکارانه، در سراسر جهان سازمان دادند. در جریان جنگ امپریالیستی علیه خلق ویتنام، این سازمان بین المللی یکی از فعال ترین سازمانها علیه تهاجم وحشیانه آمریکا بود، و لحظه ای آرام بقیه در صفحه ۸

آمریکا بدون بهانه «گروگانها» هم - و حتی بدون هیچ بهانه ای هم - خیال تحمل جمهوری اسلامی ایران را نداشته و ندارد و نخواهد داشت. آنچه صدام جانی را جرئت و جسارت داد که بفرمان آمریکا به ایران تجاوز کند، این نبود، بلکه یکی این بود که او «خط برژینسکی» را در راندن دوستان ایران و منفرد و منزوی ساختن جمهوری اسلامی ایران، یعنی سیاست خارجی لیبرالی را موفق و پیروزانگاشته بود و دوم این بود که مردم ایران را در این «انزوای» خیالی، زبون و ناتوان و مایوس پنداشته بود. با همین خیالات واهی و به

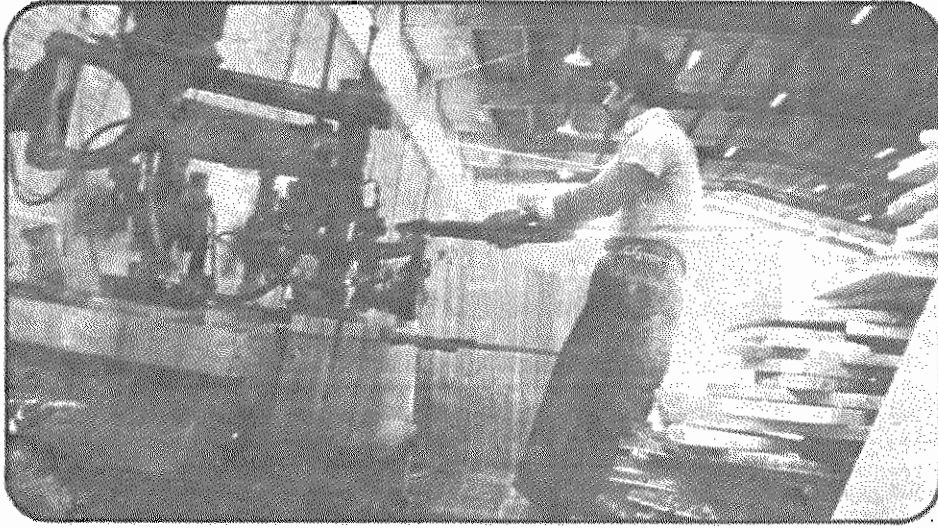
تحریک و پشتیبانی آمریکا بر مبنی آزاد ما حمله کرد، لکن پوزاش به سنگ خورد.

ما از نتایج مسافرت پر بار حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی بنوبه خود خرسندیم و آنسرا تایید می‌کنیم. این وظیفه دولت انقلاب است که راهی را که با این سفر آغاز شده با پیگیری ادامه دهد و اتحاد و دوستی و همکاری دولتها و نیروهای ضد امپریالیستی و انقلابی منطقه را بخاطر تثبیت و تحکیم جمهوری اسلامی ایران در قبال توطئه های امپریالیسم و ارتجاع منطقه و یاری به جنبشهای رهائی بخش منطقه هرچه مستحکمتر سازد.

ما کارگران و زحمتکشان تا آخرین قطره خونمان در راه انقلاب مبارزه می کنیم

کارگران کارخانه های سنگبری:

ما در حقیقت با آمریکا در جنگیم



کارگران می کنند. " از شمس الله درباره "بازنشستگی" می پرسیم. می گوید: "کارگران سنگبری ها اگر ۳۰ سال سابقه کار داشته باشند بازنشسته می شوند. ولی کارآنها چنان سنگین و سخت است که کارگران پس از ۱۵-۱۰ سال علل وازکارافتاده می شوند. من در تمام مدت این ۵-۴ سال که در این کار هستم، هنوز حتی یک نفر را هم ندیده ام که توانسته باشد ۳۰ سال کار کند و از حقوق بازنشستگی بهره مند شود. شمس الله هم با وجود مشکلات کار و زندگی کنونی خود شرایط حساس کشور و انقلاب را بخوبی درک می کند و می گوید: "من از انقلاب راضی هستم" و تنها خواهشش را از وزارت کار این چنین بیان می کند: "تنها تقاضای من از دولت اینست که چند نفر را بیاورد تا آنها ببینند که ما بزرگواران کارخانه های سنگبری هستیم، تا آنها ببینند که ما شوی این کارخانه ها از صبح تا شب، چه مشقتی می کشیم و بگذردی به وضع ما رسیدگی کنند. ما هنوز هم پس از ۲۰ ماه که از انقلاب می گذرد، تحت استثمار شدید کارفرماهای پولدار هستیم. ما نه ممکن مناسب داریم، نه آسایش و نه دست و حسابی. این مسئولان بیمه و وزارت کار هم نمی آیند به این کارخانه ها یک سری بزنند و لااقل قانونی وضع کنند که این کارفرماها اینقدر ما را استثمار نکنند."

میهن انقلابی ما روزهای سرنوشت سازی را می گذراند. آمریکا خونخوار که مرتباً توطئه برای سرنگ کردن او و دندان نشان می دهد و رژیم بعثی صدام را به جنگ با انقلاب ما فرستاده است. در چنین شرایطی طبقه کارگر ایران ثابت کرده است که مانند همیشه با با زوان قدرتمند خویش مددکار اصلی انقلاب در مقابل هجوم فدا انقلاب و مدافع جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه های آمریکا و وپایگاه های داخلی آن است. بر مقامات مسئول است که از کارگران و سلامتی آنان و زندگی شایسته آنان همچون مردمک چشم محافظت کرده و پیش بینی های لازم برای حفظ تندرستی کارگران، در محیط کار آنها منجمد به هنگام حمله دشمن به عمل آید.

کارگران زحمتکش سنگبری ها، تمام سختی ها و کمبودها را بجان می خورند و حفظ موجودیت جمهوری اسلامی ایران و تکامل انقلاب را وظیفه عمده خود دانسته و آماده گوی خویشتن را برای دفاع از انقلاب در برابر آمریکا می کنند: عبدالحمید احمدی می گوید: "من با اینکه تازه از سربازی برگشتم ولی همیشه حاضرم که به جنگ صدام آمریکا بی بروم."

شمس الله می گوید: "ما در حقیقت با آمریکا در جنگیم. البته آمریکا سربازهای خودش را به جنگ ما نمی فرستد. بلکه به کشورهای دست نشانده اش مانند مصر، اردن و عراق دستور می دهد که با ما بجنگند ولی ما بر همه شان پیروز می شویم."

وی همچنین اضافه می کند: "من چند وقت پیش بطور داوطلبانه جبهه رفتم و ۵ روز است که از آنجا برگشتم. خودم هم مایل نبودم که برگردم. بلکه آنقدر افراد داوطلب آمده بودند که مسئولان مرا مرخص کردند. و الان هم حاضرم که دوباره به جبهه برگردم."

این صدام حسین دست نشانده آمریکا است و الان ساواکهای فسراری، بختیار، اویسی و پالیزیان هم در عراق هستند و بدستور آمریکا با ما در حال جنگ هستند. ما خواهان جنگ نیستیم ولی اکنون که به ما حمله کرده اند ما کارگران و زحمتکشان تا آخرین قطره خونمان در راه انقلاب مبارزه می کنیم. من تا از برادرانم به هنگام نبرد با مزدوران عراقی شهید شده اند و خودم نیز چند روز پیش برای دفاع از انقلاب، داوطلب شدم. ولی گفتند که فعلاً به من احتیاجی نیست."

که من و امثال من بوجد آورده اند، تا راضی باشم؟ و به همین علت و با امید به آینده انقلاب است که کارگران بسیاری از ملاقات و محرومیت ها را تحمل می کنند و همه نیروی خود را برای مقابله با تاجران آمریکایی صدام بکار می برند. به سراغ یکی دیگر از کارخانه های میرویم: کارگری رادکنار دستگاه "سنگ ساب" مشاهده می کنیم که سنگهای ۵۰-۴۰ کیلوگرمی را بلند می کند، به او نزدیک می شویم و درباره کارش سؤال می کنیم. می گوید:

"ما تصور که می بینید، من مجبورم که برای ماف کردن و برش دادن این سنگها همیشه با آب سروکار داشته باشم. او که قسمت های از لباس در حین کار خیس شده بود، چنین ادامه می دهد: "سختی کار ما بیشتر از این نظر است که دائماً با آب سروکار داریم و در فصلی که در پیش داریم، تحمل آن دشوارتر می شود."

وی درباره گرانی می گوید: "اکثر ما کارگران سنگبری ها چون حقوق مان، با توجه به گرانی کمترین، کفاف مخارج زندگی مان را نمی دهد. مجبوریم که پس از ساعت کار سنگین، اضافه کاری هم بکنیم."

شمس الله، کارگری دیگر از کارخانه ها، نیز گرما نشانی است و ۲۶ سال دارد و سر و صورتش پوشیده از گرد و غبار سنگهاست. او درباره کارش می گوید:

"اسم این کار را فرزکاری گذاشته اند ولی اسم واقعی آن بدبختی است. این کار جز بدبختی اسم دیگری ندارد. من ۴-۵ سال است که از صبح تا غروب، من توی این کار هستم و فقط روزی ۹۸ تومان مزد می گیرم."

وی همچنین اضافه می کند: "گذشته از سنگینی وزن سنگها که انسان را به کمردرد می اندازد، من از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعد از ظهر توی این رطوبت کار می کنیم و تازه بعد از پایان کار هم با بد ۳ ساعت اضافه کارکنیم."

می پرسیم: چرا؟ می گوید: اگر "انفاه کاری" نکنید، اخراجتان می کنم و برای ۸ ساعت اضافه کاری هم حقوق یک روز را به ما می دهند. می پرسیم در کارخانه قبلی به کارگری که همین کار تو را می کرد، روزی ۵۰ تومان دستمزد می دادند. دلیل این موضوع چیست؟ می گوید: "فقط به این دلیل که هیچ کس به کار این کارفرماها نظارت نمی کند و آنها هم هر کاری دلشان خواهد بسا ما"

صبح تا غروب، اینجا به این کار سخت تن نمی دادم." می پرسیم چقدر حقوق می گیری؟ می گوید: "من روزی ۷۰ تومان دستمزد می گیرم. که از این مقدار، ماهی ۵۰۰ تومان هم اجاره خانه می دهم. من تسازه زن گرفته ام و با این گرانی سرسام آور، روزی ۷۰ تومان کفاف مخارج زندگی ام را نمی دهد."

می پرسیم بیمه هستی؟ می گوید: "نه. از وقتی که من اینجا هستم حتی یک نفر هم از طرف بیمه و یا وزارت کار نیامده اینجا سر بزنند. نمی آیند اینجا ببینند که ما چه می کشیم. وی درباره خواست های ما می گوید: "تنها خواست من این است که انقلاب به پیروزی کامل برسد. چونکه می دانم این انقلاب، مال ما زحمتکشان است."

عبدالحمید احمدی ۲۲ سال دارد و اهل مشهد است. درباره کارش می گوید: "من فرزکار هستم و جمعا ۴ سال در کارخانه های سنگبری کار کرده ام. این کار خیلی دشوار است و در مقابل ۸ ساعت کار طاقت فرسا، آنهم در محیط مرطوب و پیرسوز، فقط ۵۰ تومان به من می دهند. این حقوق خیلی کم است ولی مجبورم. من باید خرج پدر و مادرم را هم که در مشهد زندگی می کنند، بدهم. وی با غم و اندوه فراوان اضافه می کند: "زحمتش را ما می کشیم ولی کارفرماها پولدار می شوند."

می پرسیم طبق قانون کاری که شورای انقلاب تصویب کرده است، حداقل حقوقی که برای کارگران تعیین شده روزانه ۶۸ تومان است. چرا به توه ۵۰ تومان می دهند؟ می گوید: "خب می دانید، الان وضع ملکیت خیلی حساس است و دولت هنوز به کارگران کارفرماها نظارت نمی کند، آنها هم هر قدر دلشان بخواهد به ما دستمزد می دهند."

در همین هنگام یکی از کارگران خارجی (افغانی) در حالیکه قطعه سنگ بزرگی را حمل می کند، از کنارمان می گذرد. عبدالحمید درباره آنها می گوید: "کارفرماها معمولاً سخت ترین کارها را به کارگران خارجی واگذار می کنند. و به آنها حقوق ناچیز می دهند. چونکه می دانند که کارگران خارجی هم مثل ما مجبورند."

از او می پرسیم: از انقلاب راضی هستی؟ می گوید: "من با اینکه بعد از انقلاب، وضع زندگی ام بهتر نشده، از انقلاب راضی هستم. آخر چطور ممکن است از انقلابی"

از تقاطع خیابان فدائیان اسلام و بزرگراه بعثت که به سمت جنوب برویم، در کوه های اطراف، جابجا به ده ها کارخانه "سنگبری" برمی خوریم، که تعداد زیادی از زحمتکشان میهن مان در آنها به کار مشغول هستند. وارد کارخانه ها که می شویم، اولین چیزی که نظرمان را جلب میکند، سروصدای سرسام آور دستگاه ها و فضای خاک آلود کارخانه ها است که تنفس را برای انسان مشکل می سازد، و جابجا کارگرانی را مشاهده می کنیم که سر و صورتشان بر اثر گرد و خاک سنگها، سفید گشته و با آنکه چکمه به پا دارند و روسی لاستیکی جلوی بدنشان را پوشانیده است، نمی توانند از خیس شدن لباس و بدن خویش جلوگیری کنند. کارگران کارخانه های "سنگبری" به دو دسته تقسیم می شوند:

دسته اول کارگرانی هستند که پای دستگاه های مختلف از قبیل "فرز"، "فرز دروازه ای" و "سنگ ساب" کار می کنند. این کارگران در تمام مدت کار خویش در محیط مرطوب بسر می برند. زیرا که دائماً از طریق شلنگ آبی که در بالای هر یک از دستگاه ها تنفس شده است، آب بر روی دستگاه ها می ریزد، تا از "داغ" شدن آنها جلوگیری و آنها را "خنک" کند. در نتیجه آب، سر و صورت و بدن کارگران را خیس کرده و به زیر پای آنها می ریزد و گاه تا مچ پای کارگران در آب قرار دارد. در نتیجه کارگران در معرض انواع بیماری های ناشی از چندین ساعت کار در محیط مرطوب، قرار دارند. دسته دوم کارگرانی هستند که قطعه سنگها را به پای دستگاه های مختلف حمل می کنند و آنها را در دسترس کارگران دیگر قرار می دهند. این کار نیز با توجه به سنگینی وزن سنگها، فوق العاده سخت و دشوار است و گاه سقوط آنها به کارگران صدمه میرساند. در هر کارخانه، ۷ تا ۱۵ کارگر از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعد از ظهر به کار سخت و طاقت فرسای "سنگبری" مشغول هستند و دستمزدها نیز به تفاوت، از ۵۰ تا ۱۵۰ تومان در روز است. که این تفاوت دستمزدها، گذشته از سابقه و مهارت کارگران در کار خویش، بستگی به اضافه صاحبان کارخانه ها نیز دارد و ماضن تهیه این گزارش مشاهده کردیم که ۲ کارگر، در دو کارخانه متفاوت، در حالیکه کار یکسان "فرزکاری" را انجام می دادند، دستمزدهای متفاوتی دریافت می کردند: یکی روزی ۹۸ تومان و دیگری روزی ۵۰ تومان.

در کارخانه های "سنگبری" از کار کارگران خارجی نیز استفاده می شود: در هر یک از کارخانه ها، به تفاوت، از ۱ تا ۴ کارگر خارجی، اعم از "افغانی" و "بنگلادشی" و "پاکستانی" به کار مشغول هستند. این کارگران نیز در سخت ترین شرایط بسر می برند و کارفرماها، اغلب، از موقعیت آنها سوء استفاده کرده و سخت ترین کارها را در ازای دستمزدی ناچیز، به آنان واگذار می کنند. در این کارخانه ها، قطعه سنگهای بزرگی که گاه وزن آنها به چند تن می رسد، ابتدا بوسیله "اره های مکانیکی مخصوص به قطعات کوچکتر تبدیل میشوند و پس از آنکه "سرکار" آنها را به قطعات کوچکتری تقسیم کرد، "صیقل کار" نیز سنگها را صاف و شفاف می کند. و بعد از آنکه چند کارگر کارهای پایانی را انجام دادند، سنگها آماده عرضه شدن به بازار هستند.

با چند تن از کارگران "سنگبری" ها، صحبت کرده ایم که می خوانید: ابتدا، در یکی از کارخانه ها، با کارگری به نام "حسن" به گفتگو می نشینیم: حدود ۳۰ سال دارد و گرما نشانی است. او درباره کارش می گوید: "من یکسال و ۴ ماه است که در این کارخانه هستم و کار من اینجا، صیقل دادن سنگهاست. این کار خیلی سخت است. و هماکنون که می بینید ما دائماً توی آب هستیم، این راحتاً بنویسید، بنویسید که ما از صبح تا غروب توی آب هستیم." آهی می کشد و ادامه می دهد: "والله مجبورم. اگر مجبور نبودم،"

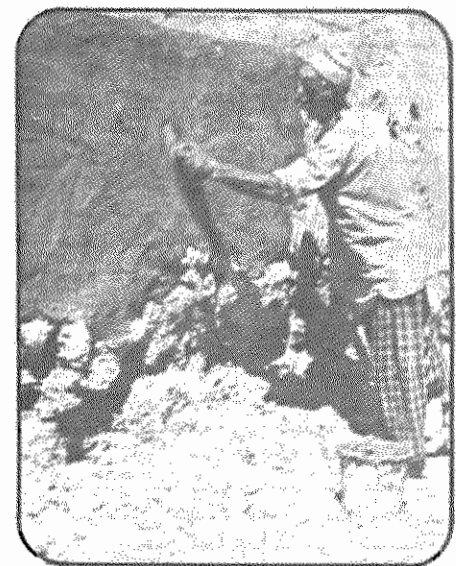
طبقه کارگر ایران در افزایش تولید،
ترمیم خسارات جنگ
و دفاع در جبهه، پیشقدم است!



بچند کودکان دهقان (مرجان آباد، مهاباد) به روی انقلاب و به امید فردای روشن.

مفتخور و ظالم، که سالها همکسار رژیم طاغوت بوده، مثل سابق به ما فشار بیاورد و بیهوشی های خودا دامنه بدهد.

ما زمین می خواهیم، این همیشه خواست ما بوده و برای گرفتن آن همچنانکه در گذشته به اشکال مختلف مبارزه کرده ایم، باز هم تا آخرین نفس برای مبارزه می کنیم، باید به دهقانانی که از روی ناچاری و نداشتن زمین آواره شهرها و روستاها میشوند کار داده شود، مانع برق داریم، نه درمانگاه، نه جاده و نه حتی مدرسه، دو تاده با هم یک مدرسه دارند.



بلهقانان کمک کنیم، تا در سنگر و در پشت جبهه، وظیفه انقلابی خود را انجام بدهند.

(ده مرجان آباد - مهاباد)

روشن بینی و اتحاد دهقانان ستایش انگیز است. تجربه زحمتکشان مرجان آبا دودگر روستاها نشان میدهد که بزرگ مالکان در اقتصاد روستایی کشور خرابکاری می کنند، در اجتماع تشنج می افروزند و زمینه ساز توطئه علیه انقلاب هستند، باید ریشه آنها را کند، تا بتوان بر آمریکا و بر عمال آن توطئه های آن بیروز شوکت و وزیری را اعتبار بخشید.

رساند. تنها این شیوه عمل، که به دور از هر گونه تسلیم در برابر فشار بزرگ مالکان است، موجب می شود که پایگاه ضدانقلاب در میهن ما برچیده شود و میلیون خدمت کنند.

اعتراض شدید روستائیان خلع سلاح شد. یکی از دهقانان کم زمین، گه زورگوئی ها و نا مردمی های ارباب را بسیار دیده است، میگوید:

"از زمان طاغوت تا بحال شکنجه و ظلم و زور دیده ایم، انتظار ما از انقلاب این است که کشاورزان و کارگران آزادانه کار کنند و برای آنها کار و زمین فراهم شود، نه اینکه ارباب

سازندگی در پشت جبهه نبرد

جهاد سازندگی دزفول، که بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷، با کمک نیروهای جوان و فعال دزفول پاکرفته و نقش ارزنده و چشمگیری در عمران و آبادی روستاهای منطقه، در ساختمان مدارس متعدد و همچنین شرکتهای جدید در این منطقه داشته است، در جریان جنگ میهنی کنونی با امپریالیسم آمریکا و نیروهای مزدور دارودسته، جنایتکار صدام حسین نیز به جهاد سازنده خود در ارتباط با نبرد به نفع و شایسته ادامه داده است.

به دنبال توطئه امپریالیسم آمریکا و تجاوز رژیم صدام به خاک میهن ما، جهاد سازندگی دزفول، در کنار نیروهای رزمنده سپاه پاسداران و بسیج مستضعفین، نیروی کلیدی واحدهای خود را برای کمک به جبهه جنگ و تدارکات وسیع پشت جبهه تجهیز کرده است.

از کارهای ارزنده این نهاد انقلابی، بسیج کادرهای کارگری متخصص به منظور تأمین نیازمندیهای تعمیراتی جبهه و بسیج تعداد زیادی خودروهای کمبریسی، وسایل نقلیه و ساختمانی و عملیات ترمیمی خرابیهای جنگ در سطح شهر دزفول بوده است.

شرایط و قیافه های مصمم و فعال اعضای آن، از پیوند عمیق و انقلابی این نهاد با توده های مردم حکایت می کند. ما برای جهاد سازندگی شهرستان دزفول موفقیت ها و پیروزی های روز افزون آرزو می کنیم.

دو نمونه از کارهای مثبت و قاطع دادگاه انقلاب اسلامی فسا، در تقسیم زمین بزرگ مالکان و واگذاری آنها به دهقانان

دادگاه انقلاب اسلامی فسا، در نیمه دوم سال ۵۸، بنا به شکایت دهقانان این منطقه، حکم به تقسیم زمین های مالکان بزرگ منطقه فسا، در میان دهقانان بی زمین و کم زمین منطقه داده بود، اما بزرگ مالکان به وسیله ایادی خود برخی از متنفذین مرتباً به دادگاه مراجعه کرده و به بهانه وجود مستاجرین در زمین و این که باید زمین در اجاره آنها باشد، در

روستائی زحمتکش مرجان آباد: «ما زمین می خواهیم این همیشه خواست ما بوده است»

حقوق برحق دهقانان تهدید است را پامال کند و هر نوع اعتراض و مبارزه آنان را سرکوب سازد. ولی با وجود این، دهقانان این روستا، اعم از بی زمین و کم زمین، تاکنون پیوسته و متحد، برای بازپس گرفتن زمینهای خود مبارزه کرده اند و تا رسیدن به خواست قانونی خود بان ادامه خواهند داد. متأسفانه، علیرغم تصویب قانون اصلاحات ارضی و آئین نامه اجرایی آن بوسیله شورای انقلاب، تاکنون بدلیل تعویق اجرای آن و خرابکاریهایی که علیه فعالیت پرثمر و حیاتی هیئت های هفت نفری شده، هنوز دهقانان بحق خود نرسیده اند. جوهری است که سالها بوسیله مالک بر این دهقانان محروم ورنجیده رفته، برکسی پوشیده نیست. بعنوان نمونه در بهار سال آب کانال از راه جویها به زمینهای زراعتی نرسید، زیرا پسر مالک طی آنچه بدست راه عبور آب را سد کرده و مانع رسیدن آب به روستا شده بود، او که دهقانان را به مرگ مرگ تهدید میکرد، با مقاومت و

روستای مرجان آباد در ۴۰ کیلومتری شمال مهاباد واقع است. این روستا ۳۶ خانوار (با جمعیت ۳۰۰ نفر) را در بر می گیرد. روستا ۱۰۶۰ هکتار زمین زیرکشت دارد و قسمتی از زمین های آن نیز بایر است. در حوالی این روستا یک کوره آجرپزی وجود دارد. از این مقدار زمین زراعتی ۱۰۰۰ هکتار آن در مالکیت ارباب و ۶۰ هکتار آن در اختیار ۲۳ خانوار قرار دارد. از این ۲۳ خانوار هم ۳ خانوار جمعاً دارای ۳۰ هکتار و ۲۰ خانوار دیگر صاحب ۳۰ هکتار زمین باقی مانده هستند. ۱۲ خانوار بی زمین این روستا نیز یادگوره آجرپزی بکار میگیرند و بیاد در روستای خود روستاهای اطراف بعنوان کارگرکش و رزی برای صاحبان زمین کار میکنند. بعضی نیز در شهرهای دور نزدیک، بصورت کارگر ساختمانی بکارند. بندی مشغول هستند. در زمان طاغوت، مالک جبار این روستا، با زور و شکنجه و بیاد انداز مرمری و ساواک

اصلاحات ارضی برای کمک به جبهه و پشت جبهه

روستای گا و آهن تو با ۴۶ نفر جمعیت در بخش دیواندره شهرستان سنندج قرار دارد. متمرکز بودن زمینهای این منطقه در دست دو مالک و تقسیم نکردن اراضی آنان میان دهقانان بی زمین و کم زمین روستا، به خوردن جوی میان دهقانان با مالک بوجود آورده است. در شرایط حساس کنونی، ادامه مالکیت غاصبان بزرگ مالکان و ایجاد تشنج مستقیم با رزنان در جبهه دشمن متجاوز است. وبه مردم در پشت جبهه کمک برسانند.

پاسخ مسئولین به خواست دهقانان

بدنبال درج یک خبر دهقانی در شماره ۲۵۸ مورخ ۵۹/۳/۲۵، تحت عنوان "دست ایادی غلامرضا پهلوی را از جنگلها کوتاه کنید"، نامه ای به شماره ۴۶۶۶-۵۹/۷/۱، از طرف اداره کل ارشاد ملی استان مازندران و فتوکی نامه شماره ۱۳۹۸-۵۹/۶/۱۹ از طرف بخشدار کردکوی به دفتر نامه مردم ارسال گردید. متن نامه بخنداری کردکوی چنین است:

"احتراماً عطف به نامه شماره ۲۲۵۳-۵۹/۵/۱۳ در مورد نامه مردم شماره ۲۵۸، مورخ ۵۹/۳/۲۵، صفحه ۴ (بولتن شماره ۳۴) تحت عنوان "دست ایادی غلامرضا پهلوی را از جنگلها کوتاه کنید" مطلبی درج گردیده بود، لذا باستحضار می رسد که کلیه اموال طلب درج شده که در طرح جنگل کردکوی مشغول بکار بوده، از طریق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردکوی صادره شده است.

وام های کشاورزی را بصورت جنسی و خدماتی بموقع و بطور جمعی، بنحویکه در تولید مؤثر باشد، به شورای ده و به تعاونی ها برسانید.

دهقانان مینویسند:

دهقانان زحمتکش آماده دفاع همه جانبه از میهن انقلابی هستند!

روستائیان زحمتکش روستای بارده، طی نامه ای به استاندار چهارمحال بختیاری، آمادگی خود را برای دفاع تجاوز رژیم صدام خائن و دفاع همه جانبه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده اند. در نامه آنان از جمله آمده است:

"اکنون که دست ظلم و ستم امپریالیسم جهانخواه از آستین بلید صدام حسین تکریتی کافر بیرون آمده و بر علیه انقلاب اسلامی ما از هرگونه توطئه و تجاوز فروگذار نمی کند و نیروهای رژیم یعنی عراق به مرزهای خاک مقدس ما حمله ور گشته و کشور عزیز ما را مورد تجاوز قرار داده و بر روی برادران ارتشی و سپاهیان پاسدار ما آتش گشوده، بدین وسیله ما مردمان روستای بارده، از طریق تعصب و غیرت و وطن خواهی، همه با عزمی راسخ و ایمانی کامل مصمم گشته با اراده آهنین آماده ایم با همه امکانات از میهن عزیز و ناموس ایرانی صیانت نموده و تا سرمرز شهادت از انقلاب خود دفاع کرده، و تا آخرین قطره خونی که در عروق ما جریان دارد، با ثبات قدم از بیای نخواهیم نشست. در عین حال از پیر و جوان آماده ایم چون مجاهدین صدر اسلام به صفوف رزمندگان نستوه و دلاوران سلحشور برادران ایرانی بییوندم و در عرصه میدان نبرد حماسه بدر و احدا مجدداً به عالمیان بنمایانیم."

این نامه به امضای ۷۲ تن از روستائیان رسیده است. در این لحظات حساس باید دهقانان را، که آمادگی کامل دارند، از هر نظر تجهیز کرد. آنان را باید از نظر نظامی آموزش داد و بسیج کرد.

دهقانان زحمتکش علاقمند به انقلاب و دستاوردهای آن هستند. با رسیدگی به خواست های دهقانان، این نیروی عظیم را علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم تجاوزگر صدام حسین تجهیز کنیم.

سادات در لباس ژاندارم

برابر حسابی که مبلغات کرده اند بر نامه کمک نظامی امپریالیسم آمریکا به کشورهای خاور نزدیک، در نوبت اول به اسرائیل، مصر و عربستان سعودی، در سال جاری افزون بر ۸ میلیارد دلار است. هدف های این با صلاح کمک نظامی چیست؟ روزنامه "امریکائی" فیلادلفیا - اینکوائیر "به این پرسش پاسخ می دهد: "دولت کنونی آمریکا نیز مانند پیشینیان خود نمی تواند جز دادن اسلحه وسیله دیگری برای بدست آوردن دوستان پیدا کند".

البته معلوم است که سخن از چنان "دوستانی" است که حاضرند اسلحه گرفته شده از آمریکا را برای منافع آمریکا بکار ببرند.

پس از خروج ارتش های انگلستان از نواحی وسیع "قاورکانال سوئز" در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) خود بخود "دکترین نیکسون" در این منطقه رایج شد که طبق آن، امپریالیسم آمریکا می بایست بر متحدینی تکیه کند که از لحاظ نظامی - فنی آنها را تامین می نماید، حلقه عمده این "دکترین" البته اسرائیل است که همیشه نقش چماقی را بالای سر دنیای عرب بازی کرده است برای رژیم طاغوتی شاهنشاهی نیز نقش "ابرقدرت" منطقه ای در نظر گرفته شده بود، که همچون نوعی "ژاندارم خلیج فارس" پاسدار منافع غاصبانه انحصارات نفتی بین المللی و نگهبان منطقه فاصله تا مرزهای اتحاد شوروی باشد.

تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷، شاه مخلوع تقریباً نیمی از درآمد سالیانه ۲۰ میلیارد دلاری از نفت رابه هزینه های نظامی اختصاص می داد. در ایران در حدود ۶۰ هزار متخصص نظامی امریکائی وجود داشت. عربستان سعودی نیز که یکی از بزرگترین صادرکنندگان نفت بود، همواره "مورد توجه خاص" واشنگتن بود. تا این زمان عربستان سعودی ۶/۳ میلیارد دلار اسلحه از آمریکا خریداری کرده است. در این کشور حدود ۴۰ هزار متخصص امریکائی وجود دارد! انقلاب ایران شدیدترین ضربه را به "دکترین نیکسون" در خاور نزدیک و میانه وارد ساخت. استراتژی های واشنگتن با تب و تاب فراوان به جستجوی جانشینی، هم برای "دکترین نیکسون" و هم برای متفقی که از دست داده بودند، پرداختند. عربستان سعودی که از لحاظ نظامی قدرت کافی نداشت و سیاست خارجی محتاطانه ای برای ایفای نقش گرداننده در جهان عرب و اسلام تعقیب میکرد، بدرد این کار نمی خورد. نظر واشنگتن متوجه قاهره شد. پس از انعقاد سازش کمپ دیوید (سپتامبر ۱۹۷۸) و امضای قرارداد صلح جداگانه اسرائیل و مصر (مارس ۱۹۷۹) انور سادات با فعالیت بیشتری از آمریکا دعوت می کرد، تا از اراضی مصر برای مقاصد استراتژیک خود استفاده کند. روزنامه امریکائی "اینترنشنال هیرالد تریبون"، که در پاریس منتشر می شود، نوشت:

"رئیس جمهور انور سادات خیلی مایل است یک اتحاد استراتژیکی بین آمریکا و مصر ایجاد کند".

این روزنامه از اظهارات انور سادات نقل قول می کرده که گفته بود: "بگذار ایالات متحده به مصر کمک اقتصادی کند... ما حاضریم ارتش های خود را به دفاع از هر کشور عربی، که هوادار غرب است اعزام داریم".

در عمل قاهره وارد مسابقه با تل اویو شد، که کدام یک می تواند بهتر به منافع آمریکا در منطقه خدمت کند، کدام یک از دو دولت دشمن همه جهان عرب و اسلام است - اسرائیل یا مصر - این بزرگترین کشور عربی از حیث جمعیت و امکانات بالقوه نظامی صنعتی؟ چه کسی بهتر می تواند "جلوی کمونیسم را بگیرد"، جنبش های رهایی بخش ملی را سرکوب کند، وضع اجتماعی - اقتصادی موجود، رژیم های ارتجاعی را حفظ کند، واشنگتن را از حیث پایگاه تامین کند و اگر لازم شود، سرباز هم بدهد؟ اگر قاهره انتخاب شود، در آن صورت سیل "بخش های" ماوراء اقیانوس به سوی قاهره سرازیر خواهد شد... در قاهره چنین تصور می کردند و این بود منطق خیانت به منافع عمومی و مشترک اعراب.

از "پاکت اسهام معامله" کمک نظامی آمریکا در چهارچوب سازش

امکانات نظامی اسرائیل قابل مقایسه باشد.

این روزنامه ادامه می دهد: "مصر ۳۰۰ هواپیما از انواع مختلف از آمریکا درخواست کرد، اما فقط ۲۵ فروند دریافت کرد. مصر از راکت های درخواستی جهت ۵۰ لشکر نیروهای زمینی فقط تعداد لازم برای ۱۲ لشکر را می تواند دریافت کند. در عین حال، پیرامون اینکه به مصر همان امتیازاتی را بدهند که به اسرائیل داده اند، هیچ صحبتی هم نمی توان کرد. و این هنگامی است که انور سادات بکرات رسماً اعلام کرده و سوگند خورده که اسلحه امریکائی هیچگاه علیه اسرائیل بکار برنده نخواهد شد. اما واشنگتن بهیچوجه این نکته را مخفی نداشته است که مصر در مقابل همان اعتباراتی که تاکنون دریافت داشته، باید خدمت خود را نشان دهد. بنظر میرسد که در نقشه های واشنگتن برای خاور نزدیک، مصر نقش متفق درجه دوم یا تخصص محدود" و یا بعبارت دیگر، نقش "ژاندارم عرب - مسلمان" را بعهده دارد، که تجهیزات آن باید برای اجرای عملیات پلیسی کافی، ولی برای یک استراتژی مستقل بکلی نا کافی باشد!

"دکترین کارتر"، که چندی پیش اعلام گردید، به تفاوت از دکترین سابق بیشتر روی "حضور نظامی مستقیم" آمریکا در مناطق "منافع حیاتی" امپریالیسم آمریکا تکیه می کند. پایگاه "چنین" حضور "مصر در نظر گرفته شده است. رئیس ستاد نیروهای هوایی آمریکا، ژنرال لیوالن، در ماه ژوئن امسال، بعضی جزئیات فنی نقشه های واشنگتن را توضیح داد و گفت: "ما میخواهیم عمل کردن در این

کمپ دیوید، که حدود ۴/۵ میلیارد دلار در نظر گرفته شده بود، ۳ میلیارد به اسرائیل و نصف آن به مصر رسید. اگر در نظر بگیریم که مصر قبلاً اعتبار نظامی بمبلغ یک میلیارد دلار گرفته بود و بعد از "پاکت اسهام معامله" کمپ دیوید هم ۳۵۰ میلیون دلار بهمان منظور دریافت کرد، در آن صورت کل مبلغی که قاهره می خواهد از آمریکا اسلحه خریداری کند، به ۲/۸۵ میلیارد دلار می رسد. علاوه بر این، در چانه زدن های بعدی واشنگتن حاضر شد که ۴ میلیارد دلار برای برنامه تجدید تسلیحات ارتش مصر اختصاص دهد.

قاهره در عوض چه خواهد داد؟ انور سادات هم اکنون یک پایگاه نظامی در بخش مصر علیا در اختیار رپنتاگون قرار داده است. ناوهای نیروی هوایی آمریکا با دستگاه های جاسوسی آواکس مرتباً به آنجا پرواز می کنند. در پایگاه دیگری در قاهره، در عرض ۴ ماه، هوانوردان فانتوم های امریکائی به پروازهای دسته جمعی به همراه خلبانان مصری پرداختند. رسماً اعلام شده است که یک پایگاه دیگر در راس بناس (ساحل دریای سرخ) تحت اختیار نیروهای دریایی و هوایی آمریکا قرار داده خواهد شد. آمریکا در این پایگاه نوآرهای پرواز خواهد ساخت و بندرگاه نظامی را توسعه داده، با لوازم ضروری مجهز خواهد کرد.

طبق ارزیابی روزنامه "واشنگتن پست" این تدارکات مقدماتی در حدود ۴۰۰ میلیون دلار هزینه خواهد داشت و از آن پس پایگاه قدرت پذیرش هواپیماهای امریکائی و حدود ۱۸ هزار چتر باز را پیدا می کند. در ماه نوامبر حدود ۱۵۰ نفر از ارتشیان آمریکا به مصر اعزام می شوند، تا نخستین آموزش های نظامی در خارج از مرزهای آمریکا را در چهارچوب با صلاح نیروهای واکنش سریع انجام دهند (که اکنون صورت می گیرد). مطبوعات غربی خبر داده اند که هم اکنون در مصر "کارشناسان" و "مشاورین" ماوراء اقیانوس که در سرکوبی جنبش های خلقی تخصص دارند مشغول به کار هستند. بدین ترتیب واشنگتن نه فقط هزینه های نظامی قاهره را می پردازد، بلکه در عین حال "اعتبار" لازم برای حفظ رژیم در مبارزات سیاسی داخلی را نیز در اختیار آن قرار می دهد.

امپریالیسم آمریکا با عجله به تجدید تسلیحات ارتش مصر مشغول است. بخش بزرگی از ۳۵ فانتوم های خریداری شده هم اکنون به مصر آمده است. تا آخر سال احتمال دارد ورود هواپیماهای "ف-۱۶" به مصر آغاز شود. نیروی دریایی مصر در صدد تهیه زیردریایی ها و ناوهای اختصاصی دیگر جهت نگهبانی در آب های سرخ است. در پایگاه هوایی "لاکاند" در ایالت تگزاس خلبانان مصری را تعلیم می دهند. گروه هایی از ارتشیان مصر پشت سرهم عازم آمریکا می شوند.

آیا هم: اینها بدان معناست که مصر مسابقه در راه "متفق شماره ۱ آمریکا" در خاور نزدیک شدن را از اسرائیل برده است؟

برای پاسخ به این پرسش باید باز به ارقام مراجعه کرد: مصر سالیانه حدود ۷۵۰ میلیون دلار به حساب اعتباری که به او می دهند، تجهیزات جنگی از ماوراء اقیانوس خریداری می کند. اما اسرائیل سالیانه ۱/۸ میلیارد (حدود ۲/۵ برابر)، آن هم تجهیزات جنگی از نوع پیشرفته تر و بهتری را خریداری می کند. برای سال مالی ۱۹۸۲ تلاً ویو می خواهد ۳ میلیارد دلار کمک از آمریکا تقاضا کند، که دو سوم آن صرف تجهیزات نظامی می شود.

در این مقایسه دیده می شود که تجدید تسلیحات مصر چندان قابل ملاحظه نیست. روزنامه "الشعب" چاپ قاهره، با استناد به عقیده افسران صلاحیت دار مینویسد: "برای ارتش مصر سالیانه حدود ۱۵۰ میلیارد دلار تجهیزات جنگی لازم است تا بتواند بطور تقریبی با

منطقه را خودمان یاد بگیریم... یکی از مقاصد اصلی ما اینست که برخورد اهالی محل به نیروی هوایی آمریکا با طاقت و تحمل توأم باشد. پنتاگون علاوه بر مصر، در عمان نیز پایگاه بدست آورده است. دولت سومالی هم پایگاه در بندر بربره در اختیار آمریکا گذاشته است. اگر در نظر بگیریم که آمریکا پایگاه بزرگ و پر تجهیزات پیچیده ای در دیگوگا رسیا، در اقیانوس هند، دارد و تلاش می کند که در کنیا نیز مستقر شود و در بحرین هم پایگاه دریائی خود را حفظ کرده است، آنوقت منظره یک سیستم کاملاً ملی از پایگاه های نظامی و تکیه گاه های استراتژیکی امپریالیسم آمریکا مجسم میشود، که منطقه خاور میانه و نزدیک را احاطه کرده است. در وضع بسیار رمتشنجی که در نتیجه جنگ تجا وزکارانه رژیم صدام تکریتی علیه جمهوری اسلامی ایران در این منطقه بوجود آمده است، این سیستم میتواند در لحظه به کار رانداخته شود.

روزنامه سوریه "البعث" با استناد به "محافل کاملاً مطلع" در کویست می نویسد: "نخستین یگان های ارتش آمریکا پس از جنگ عراق علیه ایران، هم اکنون به منطقه خلیج وارد شده اند. آنها در عمان، بحرین، مارات (دوبی) و عربستان سعودی مستقر شده اند. این روزنامه تأکید میکند که بویژه سادات تماشا با دولت های خلیج فارس را بمنظور همکاری در چهره رچوب نقشه های جنگی امپریالیسم آمریکا آغاز کرد.

اما همه کسانی که امیدوارند در "حضور آمریکا" و "پشته ها" بی از تجهیزات جنگی "تکیه گاه" پیدا کنند، طناً ب رابه گردن خود خواهند انداخت. شبح شاه بالای سر آنها در گردش است.

(خلاصه از مجله "عصر جدید" ۱۲۴ اکتبر ۱۹۸۰)

مائوئیسم

از صفحه ۳

روزنامه رنجبر است. رنجبر سه شماره درباره این متخصصین موهوم قلم فرسائی کرد و سرانجام تکرار و تکمیل این خبر سیا ساخته را به دیگر یاران و علاقمندان خود محول کرد. رنجبر هم، مثل نویسنده مقاله "القاء ایدئولوژی" حل نشدن مسأله گروگان های امریکائی را برای مدت یک سال" و اصول این

عمل انقلابی را، که امام خمینی آن را "انقلابی بزرگتر از انقلاب اول" و "باعث آبروی اسلام و ایران" خواندند، زیر سر توده های ها و "توطئه" معرفی کرد، غافل از این واقعیت - شاید هم کاملاً آگاه بر آن - که، علیرغم القاء نویسنده مقاله، حل نشدن مسأله جاسوسان امریکائی در مدت یک سال، نه ورد و اسون حزب توده ایران، که به خواست قلبی توده های میلیونی و ناشی از دستور صریح امام خمینی در واگذاری تعیین سرنوشت جاسوسان به عهده مجلس شورای اسلامی بود. و هنوز هم لاینحل ماندن این مسأله - که داغ و درد سنگینی بر دل لیبرال ها است - نه تحریک و سوسه توده های ما - که هیچ نقش و سمت و اختیار رسمی و دولتی ندارند - بلکه بی اعتنائی و تعبد امریکائی جهان خوار، در آزادی شهروندان و جاسوسان خویش و شانه خالی کردن از پذیرش شرایط عادلانه ایران برای رهایی جاسوسان است. نویسندگان رنجبر هم، مثل نویسنده مقاله "القاء ایدئولوژی"، از ژرفش انقلاب و شتاب گرفتن آهنگ ضد امپریالیستی و ضد امریکائی آن بیمناک و همچون نویسنده مقاله، که فریاد برمی دارد: "مبادا" مجبور شویم با پاره کردن رشته های روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، از آمریکا و بطور کلی از غرب، با کشورهای سوسیالیستی رابطه بگیریم"، سعی در بیرون کشیدن آمریکا و دیگر امپریالیست های غربی از زیر ضربه و آماج قرار دادن کشورهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی بجای آنها دارند. اگر نویسنده "القاء ایدئولوژی" مبارزه انقلاب ایران را با امپریالیسم آمریکا کاذب و غیر طبیعی می داند و با گستاخی می نویسد: "تشدید جو دشمنی موجود با آمریکا بطور کاذب" نظر حزب توده ایران است، رنجبری ها هم در خوش خدمتی به ارباب، به سوسیالیسم جهانی، به عنوان دشمن اصلی ایران، اشاره می کنند و در این جبهه گیری نویسنده مقاله، که بی پرده پوشی و لاقال حفظ ظاهر، از "پاره کردن رشته های روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی از آمریکا و بطور کلی از غرب"، اظهار ناراحتی می کند، شریکند.

اگر قرار باشد تمامی نکات و مضامین مشترک مقاله و موضع نویسنده مقاله با موضع حزب رنجبران بازگردد، متنوی هفتاد من کاغذ شود. همین نمونه های مشخص برای برملا کردن ریشه های واقعی و منابع الهام نویسنده مقاله کافی است. همین مختصر شاهزنده و گویائی است که واقفان کسانی تلاش در "القاء ایدئولوژی" سفارشی خود به انقلاب خلقی و آزادی بخش ایران و انحراف مسیر دارند.

نویسنده مقاله "القاء ایدئولوژی" یک تن بیش نیست. و یک مقاله، اعتبار و مایه ای در خور این نقد و بررسی و توجه را ندارد. اما واقعیت اینست که این یک تن و این یک مقاله شاهد گویائی از وجود یک جریان سیاسی و انحرافی خاص است که مخفیگاه خود را به درون سنگرهای انقلاب کشانده است. و ضرورت افشای این جریان و نمایندگان آن، از نیاز مبرم و حیاتی انقلاب به خانه تکانی و تاراندن ارواح و اجنه بدشگون از دور و برش، ناشی می شود.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن میهن انقلابی شرکت کنیم!

در جلسه‌ی دیروز مجلس شورای اسلامی، به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی کیل شد، یکی از نمایندگان به کنفرانس سران جمع عرب بشدت حمله کرد و همچنین خواستار سیدگی به وضع به اصطلاح مجاهدان افغانی، که قاچاق ارز و سرقت مسلحانه در ایران اشتغال زند، گردید.

در آغاز این جلسه محمدعلی قاتاری، نماینده هدان، اولین سخنران پیش از دستور، به تشکیل کنفرانس سران مرتجع عرب اشاره کرد و گفت: «آمریکا، این خصم خیره‌سرس مستضعفین بهان، این کنفرانس را توسط «حمالة الحطب» سکیل داد تا خنجر از روبرو پر انقلاب فلسطین از پشت بریکر انقلاب اسلامی ما فرود آورد».

ناطق سپس به سفر حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی به کشورهای مترقی منطقه اشاره کرد ضمن پربار و موفقیت‌آمیز خواندن این سفر، گفت:

«این دیدار نه اینکه یک سفر دیپلماتیک بسیار مهمی بود، بلکه سرآغاز فصل نوینی است در روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جبهه یاباری و قطعاً این گرایش است صحیح و اصولی، که در تدوین خط مشی و دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی تأثیر فراوانی خواهد داشت و باعث استحکام بیشتر پیوندهای انقلابی و اسلامی خلق سلمان ایران و خلق‌های انقلابی و مسلمان ناورمیانه خواهد شد و پشتیبانی تمام نیروهای سدامریالیست و نهضت‌های آزادیبخش را در سراسر جهان به دنبال خواهد داشت، علاوه بر این، این دیدار از اهمیت خاص و فراوانی به عنوان زرتب خط مشی مجلس در زمینه مسائل سیاست خارجی که براساس اصل تویی و تیری و اصل نه شرقی نه غربی پی‌ریزی شده، برخوردار است، بطبع تابعی است از سیاست داخلی جمهوری اسلامی، که مجلس در پیش گرفته است و متغیر این تابع با تصویب هرچه بیشتر و سربتر قوانین در جهت منافع مستضعفین سیر صعودی را خواهد نمود. برای نمونه دو مسئله بسیار مهم، که در آینده نزدیک در دستور کار و شور مجلس قرار خواهد گرفت، یعنی طرح ملی کردن «بازرگانی خارجی و طرح تقسیم عادلانه آب را می‌توان ذکر کرد. نمونه دیگر لایحه قانونی تقسیم اراضی است که در مراحل ابتدائی اجراست. گرجه گنگگاه زمزمه مخالفتی از ناحیه کسانی که منافع خود یا اربابان خود را در خطر می‌بینند، سرداده می‌شود، ولی با تأیید مجدد امام پاسخ سختی به آنها داده شد. مجلس آگاه است که این نمونه‌ها برای رهایی مستضعفین از قید و بند و اسارت‌مستکبرین کافی نیست، بلکه هنوز مسائل پیچیده و بفرنجی در جامعه لاینحل باقی است، که امید است در آینده با شتاب بیشتری رسالتش را به انجام برساند. هنوز به علت اجراشدن کامل اصول ۲۹ و ۴۳ قانون اساسی سرنوشت اداره کارگران شهرداری و سایر کارگران روشن نیست، در صورتی که حقوق‌های کلان عده‌ای از کارمندان دربار و ساواک، که به خارج فرار کرده‌اند، هنوز پرداخت می‌شود. در این خصوص دلایل کافی در دست است. چه ضرورتی دارد به کسانی که دین و ایمان وطن‌شان چندان‌ها بر از پول و جواهرات است که در ایران بسته و مهر و موم و در خارج گشوده می‌شود، حتی حقوق بازنشستگی برای عیاشی آنها پرداخت شود؟ هنوز برناه‌های نوسازی جامعه مراحل ابتدایی را می‌گذراند و به علت عدم برنامه‌ریزی صحیح، خلاصی که بین صنایع ذوب فلزات و صنایعی که مصرف فلزی دارند، پرتنیده است. برای توضیح بیشتر، رژیم دست‌نشانده امپریالیسم و انحصارگران خارجی با کارشکنی در احداث صنایع ریخته‌گری و ماشین‌کاری قطعات ریخته‌گری و آهنگری به مقیاس وسیع، عمداً مانع از آن گردید که محصولات ذوب آهن به شکل مواد نوساخته در صنایع مورد استفاده قرار گیرد. صنایع ذوب فلزات وقتی می‌تواند نقش اساسی و تعیین‌کننده در صنعتی کردن کشور ایفا کند که صنایع جنبی آن ایجاد گردد، یعنی همروند با ایجاد صنایع ذوب فلزات، ایجاد شبکه‌ای از صنایع ماشین‌سازی که بر پایه محصول ذوب فلزات کار می‌کنند. احداث گردند. توجه مسئولین امور را به این امر حیاتی جلب می‌کنم.»

بی‌رویه افغان‌های به اصطلاح مبارز

تاتاری سپس افزود: «هنوز بسیاری از سرزهای کشور کنترل نمی‌شود و این باعث شده است که عده‌ای دلال

در جلسه علنی مجلس گفته شد:

کنفرانس سران عرب بدستور آمریکا تشکیل شد

سفر رئیس مجلس به کشورهای مترقی منطقه بازتاب خط‌مشی مجلس است

- گروه سیاسی و مبارز افغان وابسته به آمریکا در قاچاق ارز و فرار دادن ساواکی‌ها از ایران دست دارند
آقای والدهایم! شما پرچم حقوق بشر را به کار تروریست‌گان که ننگ حقوق بشرند سپرده‌اید

بین‌المللی با بدست آوردن کارت به اصطلاح بازرگانی مقدار معتابلی اشیاء قیمتی را به عنوان کالای تجارتنی خارج کنند و ارزش آن را با زدوبندهائی که خود می‌دانند، برنگردانند. برای نمونه، بعد از انقلاب تعداد بازرگانانی که کارت بازرگانی برای صدور فرشی بدست آورده‌اند، ۶ برابر شده است. علاوه قاچاقچیان بین‌المللی از مرزهای جنوب شرقی، به سادگی کودتاچیان و مجرمان و همچنین سرمایه‌های مارا، اعم از جواهرات و وجه نقد، از طریق دریا و زمین خارج می‌کنند، و یکی از هدایایی که به ما عرضه می‌کنند، مواد مخدر است. بنابراین مجلس وظیفه اساسی دارد که جهت حل معضلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه شتاب بیشتری داشته باشد. در این‌جا مسئله مهاجرت و هجوم بی‌رویه افغان‌ها، که مشکلاتی را خصوصاً در استان سیستان و بلوچستان بوجود آورده‌اند، لازم به یادآوری می‌داند. متأسفانه مسئولین امور توجه کافی به این مسئله ندارند و از کنار آن به سادگی می‌گذرند. درحالی‌که مسائلی در حال نطفه‌گذاری است، که اگر زایش آن فراسد، زاد و ولدش در حدی نیست که قابل کنترل باشد. در حال حاضر بر جمعیت این منطقه فقیرترین کشور حدود ۳۰۰ هزار نفر افغانی تحمیل شده‌اند، که هر روز، با توجه به عرضه کم ارزاق و مایحتاج عمومی، مسائلی را می‌آفرینند. من برای نمونه بطور خلاصه سه مورد را ذکر می‌کنم: چند روز قبل که در حوزه «ناخایه» بودم، سرقت مسلحانه مهمی در جاده زابل - زاهدان و نزدیک به مرز افغانستان بوقوع پیوست. قطع نظر از خسارات جانی و مالی، بنابراین اظهار منابع موقت دولتی، این سرقت پس از ردیابی توسط افراد گروه‌های به اصطلاح درگیر در افغانستان انجام شده‌است. مورد دیگر - دلائلی مستند وجود دارد که گروه‌های سیاسی و خیل مبارز افغانی وابسته به آمریکا، که متأسفانه دفاتری نیز در زاهدان دایر کرده‌اند، در قاچاق ارز و فرار دادن ساواکی‌ها و مجرمین حرفه‌ای و کودتاچیان، با صدور کارت به اصطلاح مجاهد، مستقیماً دست دارند.»

پیام به کورت والدهایم!

ناطق در پایان خطاب به کورت والدهایم، دبیرکل سازمان ملل متحد اظهار داشت: «آقای والدهایم! درحالی که شما به عنوان دبیرکل سازمان ملل می‌دانید انگیزه صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر در دسامبر ۱۹۴۸ و میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اجتماعی... برای جلوگیری از تکرار جنایات جنگی و بمباران‌های وحشیانه و غیرانسانی هیتلر بود، درحالی‌که حافظ حقوق بشر هستید و بایستی پرچم حقوق بشر را شما بدست بگیرید، ولی آن را به شیاطینی مشابه کار تروریست‌گان سپرده‌اید که ننگ حقوق بشر هستند. درحالی که شما برای آزادی جاسوسان آمریکایی به انواع و اقسام مسافرت‌ها دست زدید، درحالی‌که می‌دانید رژیم یعنی عراق با کودتا روی کار آمده و منشاء حکومت دولت عراق اراده مردم نیست، بلکه سرنیزه است و براساس ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر حکومت غیرقانونی است، لذا من براساس ماده ۲۳ و ۲۸ این اعلامیه از شما می‌خواهم که درقبال وظیفه‌ای که تاریخ و جامعه ملل متحد به شما واگذار کرده است، نسبت به جلوگیری از بمباران‌های وحشیانه و غیر انسانی شهرها و نقاط مسکونی و غیر نظامی میهن ما توسط رژیم بعثی و سرسپرده عراق چه کرده‌اید؟ آیا تصور نمی‌کنید که سکوت مطلق شما موجب محاکمه تان در تاریخ خواهد شد.»

ناطق بعدی پیش از دستور قهرمان رحمانی، نماینده مردم تاکستان، ضمن اشاره به دفاع دلیرانه پاسداران و نیروهای مسلح از میهن انقلابی، گزارشی در مورد بازدید از خوزستان به مجلس ارائه داد. سومین سخنران سید محمد مهدی جعفری، نماینده مردم دشتستان، به نحوه برخورد بسا امپریالیسم، فاشیسم، ناسیونالیسم و لیبرالیسم اشاره و تأکید کرد که: «از آنجا که انقلاب اسلامی ما ویژگی‌های خاصی خود را داشت و خصیلت‌های ضد استکباری و ضدامپریالیستی آن از دشمن توطئه‌گر پوشیده نبود، بدیهیست که نمی‌توانست در برابر آن ساکت بنشیند و به هر اقدامی دست می‌زند تا اینکه رام‌ترین عروسک را می‌یابد و با شعارهای بظاهر ضدامپریالیستی کوه می‌کند و به جان جمهوری اسلامی ایران می‌اندازد. تا اینجا جریان طبیعی است، اما آنچه تاریخ‌ساز است، اراده مردم و تصمیم آنها به حفظ و تداوم انقلاب به رهبری امام‌خیمینی است.»

وی سپس گفت: «آنچه باعث نگرانی، و نه ترس، ماست اختلاف‌ها و کشمکش‌هایی است که بین مسئولین جریان دارد و آنها بی‌توجه به هشدارها راه خود را می‌روند... حال اگر ما اختلافات بی‌ریشه و غیر اصیل را کنار بگذاریم، از جنگ تحمیلی امپریالیسم و صهیونیسم پیروز بیرون خواهیم آمد.» ناطق آنگاه خواستار تصویب سریع مقررات مربوط به پاکسازی گردید. وی در قسمتی دیگر از سخنان خود به وضع آوارگان جنگو اسکان آنها اشاره و تأکید کرد، که در رساندن کمک به آنها باید هماهنگی ایجاد شود و همچنین از مقامات دولتی خواست که به وضع کشاورزان و کشاورزی کشور بخصوص در مناطق جنگی و تبیه امکانات لازم برای کشت توجه کنند. وی در پایان خواستار رسانیدن کمک‌های لازم به عشایر اطراف کرخه و شوش و جلوگیری از نفوذ عوامل ستون پنجم آمریکا در میان عشایر گردید.

گزارش سفر حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی

در اینجا حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس تذکراتی در رابطه با مسائل مختلف روز داد و جنایات رژیم صدام در لرستان را محکوم کرد. رئیس مجلس آنگاه به سفر خود به کشورهای عربی اشاره کرد و گفت که بزودی گزارش مبسوطی در این مورد به مجلس خواهد داد. وی آنگاه گزارش کوتاهی از سفر خود به مجلس داد و از جمله اظهار داشت:

«ما رویبمرفته خوشحال و راضی و امیدوار برگشتیم. در مورد مجلس باعث اعجاب آنها بود که يك انقلاب که متکی به حزب و تشکیلات منظمی نبوده و فقط با اتکاء به يك رهبری قاطع و اراده مردم بتواند ملت را به سرعت به مجلس برساند.»

رئیس مجلس سپس افزود: «آنها از اینکه يك مجلس با توجه به نداشتن سابقه پارلمانی نمایندگانش، اینقدر به خود مطمئن است که روزانه ۴ ساعت فیلم در اختیار مردمش می‌گذارد و مستقیم از رادیو پخش می‌شود، می‌گفتند این دلیل بر استحکام شماس است. آنها البته تذکراتی هم داشتند، باید بگویم که مجلس ما در دنیا زیر نگاه است و همه آن را ارزیابی می‌کنند. از زنده بودن مجلس ما خوششان آمده

بود و رویبمرفته ارزیابی‌ها مفید بود. آنها خواستار مبادله تجارب در این مورد بودند. رئیس مجلس گفت:

«در مورد اصل انقلاب، علیرغم اینکه ماکاری نکردیم و خود را معرفی نکردیم، مسئولین این کشورها و مردمشان تحلیل‌های خوبی از انقلاب ما کرده بودند. البته رفتن ما و بازگردن نکات مهم برای آنها موثر بود، ولی خوشبختانه قضاوت آنها خوب بود. اینکه ملت ما توانست آمریکا و رژیم شاه را به این آسانی ازجا بکند، برای ملت عرب خیلی عجیب بود و حتی تصورش هم قابل قبول نبود. آنها شاه را خیلی ریشه‌دار می‌دانستند و تبلیغات هم موثر بوده است. آن پول‌ها، این ارتش، این پلیس، این ساواک، آن همکاری اسرائیل، آن همکاری آمریکا و سیا و انگلستان و ارتباطات با ارتجاع منطقه و این امید که ارتجاع منطقه به حمایت شاه بسته بود، تمام این‌ها برایشان این فکر را بوجود آورده بود که این‌ها نرفتنی هستند، و کار ملت ما و رهبر ما برای آنها در حد معجزه است و با برخورد اهتنان - آمیز روبروست. ضمناً اثری که انقلاب ما در منطقه داشته بسیار مهم است. آنها بعد از اینکه مصر به اردوگاه امپریالیسم پیوست، داشتند ناامید می‌شدند و فکر می‌کردند دیگر اسرائیل در منطقه ماندنی است. ولی انقلاب ما باعث دلگرمی آنها شد. آنها معتقدند این پایگاه سرانجام باعث سرنگونی اسرائیل و صهیونیسم و پیروزی ملت‌های مسلمان و انقلابی منطقه خواهد شد. آنها دفاع از انقلاب اسلامی ایران را وظیفه خود می‌دانند. لبنانی‌ها که وضعیتشان بر همه روشن است. روز عاشورا جمع شدند، پول برای آوارگان جنگ ما جمع کردند، حتی می‌گویند يك جبهه مخصوص برای لبنانی‌ها باز کنید. وقتی به آنها گفته: شما خودتان در حال جنگید. پاسخ دادند: اگر ایران نجات یابد، ما هم نجات خواهیم یافت. بنابراین برداشت از انقلاب ما به عنوان يك چیز نجات‌بخش و اسلامی بودنش به عنوان وظیفه آن برای مبارزه با صهیونیسم بین آنها وجود دارد و چیزهایی که مامی‌گفتیم برادران ما را در آنجا محکم‌تر می‌کرد.»

لولوی اردن!

رئیس مجلس سپس تأکید کرد که ادعاهای صدام در آنجا جا نیفتاده است و اردن برای آنها مثل لولویی است که حضور وی در جبهه‌ای باعث بی‌اعتباری آن جبهه می‌شود. وی افزود: «آنها این جنگ را جنگی امپریالیستی علیه ایران و تجاوز صدام به ایران می‌دانند و از اینکه می‌بینند هر روز تعدادی اسلحه ملل مسلمان‌هدر می‌رود، جدا عصبانی هستند و عراق را مقصر می‌دانند. و وقتی من در جلسه‌ای در سوریه اسم صدام را آوردم صدای «لعنت خدا بر او» از همه سو برخاست.»

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی سپس، ضمن تشریح احساسات مردم کشورهای عربی که از آنها بازدید کرده بود، گفت: «آنها از ما طلبکارند و می‌گویند این انقلاب مال همه ماست، و ضعف‌ها و کاستی‌ها را بر ما نمی‌بخشند. آقای قذافی می‌گفت دست ما را به آسانی رد نکنید. ماهر چه داریم از آن شماس، در مورد جنگ هم، جنگ را آمریکایی و تجاوز صدام می‌دانند و این شعار را قبول دارند که، تا سقوط صدام باید جنگ ادامه پیدا کند. بعضی‌ها برای دلسوزی تلاش می‌کنند که جنگ متوقف شود، ولی معتقدند در آن صورت هم صدام سقوط خواهد کرد. بهر حال همه در مورد لزوم سقوط صدام متفق‌القولند. ضمناً از استحکام ایسران خوشحالند و نگران بودند که مبادا ایران نتواند مقاومت کند و اینک با وسواس اخبار جنگ را تعقیب می‌کنند.»

رئیس مجلس آنگاه به احساسات مردم این کشورها و رهبران آنها نسبت به امام خمینی اشاره کرد و گفت:

«آنها گفتند ما تاکنون کسی را ندیده‌ایم که به اندازه امام این همه قلوب را تسخیر کرده باشد. تبلیغات سوء هیچ تأثیری نگذاشته است و مردم اسم امام را که می‌آورند، گریه می‌کنند. البته این همراه انقلاب است و با آن تحلیل‌هایی که گفتیم. منتها وظیفه ما هم خیلی سنگین است، باید کار توضیحی بکنیم و در این رابطه امیدوارم ارتباط ما با دنیای خارج مخصوصاً با کشورهای مترقی عرب سریع‌تر برقرار شود.»

پس از پایان سخنان رئیس مجلس، جلسه وارد دستور شد. در آغاز قسمتی از ماده دوم طرح اداره رادیو و تلویزیون مورد بررسی قرار گرفت و بقیه در صفحه ۸

